

افاضه (۱) ← اجازه

دسته جمعی از مکانی پس از گرد آمدن در آن، به جهت شباهت این حرکت، به سرازیر شدن نهر^۸ افاضه گفته می‌شود.^۹ در اصطلاح فقه، واژه افاضه به کوچ دسته جمعی حج گزاران از عرفات به مشعر الحرام و از آن جا به منا و سپس به مکه اطلاق می‌شود.^{۱۰} از این رو گاه به طوافی که پس از بازگشت از منا به جا آورده می‌شود و از ارکان حج است، «طواف افاضه» می‌گویند.^{۱۱} در منابع فقهی، واژه گاه درباره حرکت از مکه به منا و از آن جا به عرفات نیز به کار می‌رود.^{۱۲} شماری از واژگان هم معنای افاضه در منابع فقهی

افاضه (۲): بیرون رفتن حاجیان از مکه به منا و سپس عرفات و حرکت آنان از عرفات به مشعر الحرام و منا و از منا به مکه

واژه افاضه از ریشه «ف - ی - ض» (فراوانی^۱ و جاری شدن به آسانی^۲) به معنای پر کردن^۳، سرازیر و جاری شدن^۴، دور شدن، جدا شدن^۵، حرکت شتابان^۶ و بازگشت^۷ است. در متون دینی از جمله قرآن کریم، به حرکت

۸. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۶۵-۴۶۶؛ مفردات، ص ۳۸۷-۳۸۸؛ نک: لسان العرب، ج ۷، ص ۲۱۲، «فیض».
۹. النهایه، ابن اثیر، ج ۳، ص ۴۸۴-۴۸۵؛ لسان العرب، ج ۷، ص ۲۱۲-۲۱۳، «فیض».
۱۰. نک: المیسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۸-۲۰؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۲۱۱؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۷۲۳.
۱۱. فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۷۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۴۷.
۱۲. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۶۷؛ المیسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۱۳۰؛ کشف اللثام، ج ۶، ص ۵۹.

۱. العین، ج ۷، ص ۶۵؛ مفردات، ص ۳۸۷، «فیض».
۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۶۵، «فیض».
۳. الصحاح، ج ۳، ص ۱۰۹۹؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۶۵، «فیض».
۴. العین، ج ۷، ص ۶۵؛ الصحاح، ج ۳، ص ۱۰۹۹؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۶۵، «فیض».
۵. ترتیب اصلاح المنطق، ص ۴۷، «افاض».
۶. لسان العرب، ج ۷، ص ۲۱۲-۲۱۳، «فیض».
۷. العین، ج ۷، ص ۶۵؛ المصباح، ج ۲، ص ۴۸۵، «فیض».

عرفات وقوف و از آن جا به مشعر الحرام کوچ کنند.

افاضه از عرفات به مشعر الحرام و از آن جا به منا، در شمار مناسک حج ابراهیمی بوده است. بر پایه روایتی^۷، افاضه از عرفات به مشعر الحرام از موارد آزمایش و ابتلای حضرت ابراهیم علیه السلام بوده که در آیه ۱۲۴ بقره/۲ به آن اشاره شده است: ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ...﴾. شماری از مفسران، افاضه از عرفات و مشعر الحرام را از مصادیق مناسکی دانسته اند که حضرت ابراهیم و اسماعیل به نص آیه ۱۲۸ بقره/۲ آموزش آن‌ها را از خداوند خواستند.^۸ همچنین به باور شماری از مفسران^۹ مقصود از «ناس» در آیه ۱۹۹ بقره/۲ حضرت ابراهیم علیه السلام و به باور شماری دیگر^{۱۰} حضرت آدم علیه السلام است. بر پایه دیدگاه اخیر، می توان پیشینه افاضه را به هنگام حضرت آدم علیه السلام بازگرداند. البته درباره مقصود از واژه یاد شده، دیدگاه‌های مهم دیگری نیز مطرح شده اند.^{۱۱} بر پایه منابع روایی و تاریخی، در

عبارتند از: نَفْرًا، خروج^۲ و دفع^۳. شماری از منابع تاریخی به جای افاضه واژه اجازه (← اجازه) را به کار برده اند.^۴

◀ **پیشینه:** تعبیر افاضه در شمار مناسک حج، برگرفته از آیات ۱۹۸-۱۹۹ بقره/۲ است: ﴿فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ... ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾. در آیه نخست، به افاضه از عرفات تصریح شده است. به باور شماری از مفسران^۵ در آیه دوم نیز مقصود از ﴿أَفِيضُوا﴾ افاضه از مشعر الحرام و به باور شماری دیگر^۶ افاضه از عرفات است. بر پایه سخن دوم، این آیه در رد رفتار قریش و همپیمانانشان نازل شده است. آنان به ممنوعیت وقوف در عرفات باور داشتند. بدین استناد که عرفات از حرم بیرون است و اهل حرم نباید از حرم بیرون شوند. با نزول آیه، آنان موظف شدند که مانند دیگر مردم در

۱. الخلاف، ج ۱، ص ۶۶۷؛ المجموع، ج ۶، ص ۴۴۲؛ المعنی، ج ۳، ص ۴۷۶، ۴۸۲.

۲. المبسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۱۳۰؛ صحیح ابن حبان، ج ۱، ص ۱۶۹؛ ج ۹، ص ۱۵۵؛ کشف اللام، ج ۶، ص ۵۹.

۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۲۰؛ تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۲۱۱؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۸۰.

۴. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۷۸-۷۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۹.

۵. مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۸؛ کنز العرفان، ج ۱، ص ۳۰۶؛ مواهب الرحمن، ج ۳، ص ۱۷۲.

۶. جامع البیان، ج ۲، ص ۱۶۹-۱۷۲؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۷-

۵۲۸؛ المیزان، ج ۲، ص ۸۰.

۷. جامع البیان، ج ۱، ص ۴۱۵؛ التبیان، ج ۱، ص ۴۴۶؛ الدر المنثور،

ج ۱، ص ۱۱۲.

۸. جامع البیان، ج ۱، ص ۴۳۳-۴۳۶؛ التبیان، ج ۱، ص ۴۶۴؛ الدر

المنثور، ج ۱، ص ۱۳۹.

۹. التبیان، ج ۲، ص ۱۶۹؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۸؛ تفسیر ابن

کثیر، ج ۱، ص ۳۵۰.

۱۰. الکشاف، ج ۱، ص ۲۴۷؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۸.

۱۱. نک: جامع البیان، ج ۲، ص ۱۷۱؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۸.

باشد که نماز ظهر و عصر روز ترویبه را در منا بخواند. اما دیگر حاجیان مستحب است پس از ادای نماز ظهر و عصر در مکه، روانه منا شوند.^۵ پشتوانه این نظر، چندین روایت^۶ است. در برابر، فقیهان حنفی^۷، مالکی^۸، شافعی^۹ و حنبلی^{۱۰} بدون فرق نهادن میان امیر الحاج و دیگران بر این باورند که مستحب است حرکت حاجیان از مکه در زمانی باشد که بتوانند نماز ظهر را در ابتدای وقت در منا بخوانند. نظر اندکی از امامیان نیز همین است.^{۱۱} البته شماری از شافعیان هنگام حرکت به منا را پس از ظهر دانسته‌اند.^{۱۲}

به باور فقیهان امامی و اهل سنت، بیرون آمدن از مکه به سوی منا پیش از هنگام مقرر مکروه است^{۱۳}، هر چند فقیهان امامی کسانی چون پیران و بیماران را از این حکم استثنا کرده‌اند.^{۱۴} همچنین بر پایه فقه شافعی، چنانچه روز هشتم ذی‌حجه با جمعه هم‌زمان باشد،

۵. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۶۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۶۳.

۶. الکافی، ج ۴، ص ۴۵۴؛ التهذیب، ج ۵، ص ۱۶۷-۱۷۰.

۷. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۵۲.

۸. الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۴۳؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۱۷.

۹. المجموع، ج ۸، ص ۸۳.

۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۴۲۳.

۱۱. جمل العلم و العمل، ص ۱۰۹.

۱۲. اسنی المطالب، ج ۱، ص ۴۶۶؛ المجموع، ج ۸، ص ۸۳.

۱۳. مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۱۰؛

نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۳۲.

۱۴. السرائر، ج ۱، ص ۵۸۶؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۶۰۳.

دوران جاهلی، بیشتر مردم جز قریش و همیمانانشان از عرفات افاضه می‌کردند.^۱ در آن هنگام، عهده‌دار حرکت حاجیان از عرفات به سوی مزدلفه که اجازه خوانده می‌شد، صوفه (عوث بن مرّ) و فرزندان او بودند.^۲ (← اجازه)

◀ مراحل افاضه: حرکت حج گزاران از

مکه برای ادای مناسک منا و عرفات شامل چهار مرحله است که همگی از مصادیق افاضه به شمار می‌روند. بر این اساس، چهار مرحله افاضه وجود دارد:

۱. افاضه از مکه به منا و سپس به

عرفات: از آن‌جا که به اجماع فقیهان، یتوته شب عرفه در منا مستحب است^۳، فقیهان امامی و اهل سنت بیرون آمدن حج گزار از مکه به سوی منا را در روز ترویبه^۴ (هشتم ذی‌حجه) مستحب دانسته‌اند.^۴ البته درباره هنگام حرکت از مکه، اختلاف است. به باور مشهور امامیان، میان امیر الحاج و دیگر حج گزاران تفاوت است؛ زیرا حرکت امیر الحاج باید به گونه‌ای

۱. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۷۵؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۴۳؛

سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۸۴.

۲. السیره النبویه، ج ۱، ص ۷۸-۷۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۹؛

تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۸-۳۹.

۳. السرائر، ج ۱، ص ۵۲۱؛ المغنی، ج ۳، ص ۴۲۳؛ الفقه علی

المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۷۷.

۴. السرائر، ج ۱، ص ۵۲۱؛ المغنی، ج ۳، ص ۴۲۳؛ الفقه علی

المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۷۷.

باید حج گزار پیش از طلوع فجر، روانه منا شود؛ زیرا سفر کردن پس از طلوع فجر و پیش از زوال، برای کسی که نماز جمعه بر او واجب است ولی امکان اقامه آن را در منا ندارد، حرام به شمار می‌رود.^۱

در روز عرفه، حج گزاران باید به عرفات کوچ کنند. به باور مشهور امامیان، هنگام افاضه از منا به عرفات پس از طلوع فجر روز نهم ذی‌حجه برای همگان و پس از طلوع آفتاب برای امیرالحاج است^۲ و بیرون آمدن از منا پیش از طلوع فجر کراهت دارد؛ چنان‌که عبور از وادی محسر* پیش از طلوع مکروه شمرده شده است.^۳ از نظر فقیهان اهل سنت هم بهترین هنگام حرکت از منا به سوی عرفات، پس از طلوع آفتاب روز عرفه است.^۴ فقیهان امامی و اهل سنت برای افاضه از مکه به منا و از آن‌جا به عرفات، آدابی بر شمرده‌اند: ا. تلبیه.^۵ ب. خواندن دعای ویژه.^۶

ج. خواندن سوره قدر.^۸ د. تهلیل (گفتن لا اله الا الله).^۹ ه. داشتن آرامش و وقار.^{۱۰}

۲. افاضه از عرفات به مشعر الحرام: به باور بیشتر فقیهان امامی^{۱۱}، حنفی^{۱۲}، شافعی^{۱۳} و حنبلی^{۱۴} هنگام افاضه از عرفات پس از غروب آفتاب روز عرفه است و افاضه از عرفات پیش از غروب آفتاب جایز نیست. در این میان، مالکیان وقوف در عرفات در بخشی از شب را نیز رکن حج قلمداد کرده‌اند و از این رو، افاضه پیش از غروب را موجب بطلان حج دانسته‌اند.^{۱۵} به باور مشهور فقیهان امامی، کفاره بیرون آمدن از عرفات پیش از غروب آفتاب، قربانی (بدنه) و در صورت ناتوانی از انجام آن، ۱۸ روز روزه گرفتن است.^{۱۶} پشتوانه آنان، حدیثی از امام باقر (علیه السلام) است.^{۱۷} البته اگر افاضه پیش از غروب آفتاب، به سبب ناآگاهی یا اشتباه صورت گیرد یا حج گزار پیش از

۸. المهذب، ج ۱، ص ۲۴۶؛ غنیة النزوع، ص ۱۸۰.

۹. مناسک حج، ص ۱۳۳.

۱۰. المقنعه، ص ۴۱۵؛ الجامع للشرائع، ص ۲۰۶؛ المجموع، ج ۸، ص ۱۴۳.

۱۱. النهایه، طوسی، ص ۲۵۱؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۲۱.

۱۲. نک: المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۸؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۵۴.

۱۳. فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۵۷-۳۵۹؛ الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۱۷۴.

۱۴. الروض المرعب، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۸۸.

۱۵. حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۳۷.

۱۶. النهایه، طوسی، ص ۲۵۱؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۴۵.

۱۷. الکافی، ج ۴، ص ۶۸؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۴۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۸۸.

۱. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۹۵-۴۹۶.

۲. الاقتصاد، ص ۳۰۶؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۸۵؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۶۰۳.

۳. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۹۱؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۶۰۳.

۴. السرائر، ج ۱، ص ۵۸۵؛ کشف الرموز، ج ۱، ص ۳۶۰؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۳۳.

۵. المغنی، ج ۳، ص ۴۲۴؛ الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۴۳؛ الدر المختار، ج ۲، ص ۵۰۳.

۶. السرائر، ج ۱، ص ۵۸۴-۵۸۵؛ البحر الرائق، ج ۲، ص ۵۸۸؛ نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۲۵.

۷. لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۷-۵۴۰؛ النهایه، طوسی، ص ۲۵۰.

چنان‌که امامیان بدان تصریح کرده‌اند.^{۱۱}
(← جمع بین صلاتین)

۳. **افاضه از مشعر الحرام:** پس از پایان بیتوته در مشعر، حج گزار باید برای ادای بقیه مناسک به منا کوچ کند. بسیاری از فقیهان امامی هنگام افاضه امیر الحاج از مشعر الحرام به سوی منا را پس از طلوع آفتاب روز عید قربان دانسته‌اند.^{۱۲} به باور مشهور آنان، افاضه دیگر حاجیان پس از طلوع فجر آن روز جایز است، هر چند تصریح کرده‌اند که تأخیر افاضه آنان تا طلوع آفتاب مستحب است.^{۱۳} همچنین بر پایه فقه امامی، مستحب است حج گزار پیش از طلوع آفتاب از وادی محسر نگذرد.^{۱۴} حتی برخی این کار را جایز ندانسته‌اند.^{۱۵} فقیهان دیگر، مقصود از عدم جواز را کراهت فراوان دانسته‌اند.^{۱۶} همچنین امامیان افاضه بدون عذر پیش از طلوع فجر را سبب وجوب کفاره^{۱۷} و حتی شماری آن را موجب بطلان حج به شمار آورده‌اند.^{۱۸} البته افاضه پیش از طلوع فجر برای

غروب آفتاب به عرفات بازگردد، کفاره از عهده او برداشته می‌شود.^۱ بر پایه فقه حنفی^۲ و حنبلی^۳ نیز افاضه پیش از غروب آفتاب کفاره دارد و در صورت بازگشت به عرفات پیش از غروب، از عهده فرد برداشته می‌شود. فقیهان شافعی پرداخت کفاره را در این فرض مستحب شمرده‌اند.^۴

فقه‌ها برای افاضه از عرفات به مشعر الحرام آدابی برشمرده‌اند. از جمله ا. استغفار^۵ که در آیه ۱۹۹ بقره/۲ و احادیث^۶ سفارش شده است. ب. رعایت وقار و آرامش.^۷ ج. خواندن دعاهای ویژه.^۸ د. با هم خواندن نماز مغرب و عشا در مزدلفه. به باور فقیهان امامی^۹ و اهل سنت^{۱۰} تأخیر ادای نماز مغرب از اول وقت و به جا آوردن آن در مزدلفه همراه با نماز عشا، سنت و مستحب است، حتی اگر تا رسیدن به مزدلفه یک چهارم شب گذشته باشد؛

۱. منتهی المطلب، ج ۱۱، ص ۵۹؛ النخبه، ص ۱۶۸؛ ارشاد الاذهان، ج ۱، ص ۳۲۸.

۲. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۷.

۳. المعنی، ج ۳، ص ۴۳۶.

۴. فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۶۴؛ المجموع، ج ۸، ص ۱۱۹.

۵. المقنعه، ص ۴۱۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۹۳.

۶. نک: الکافی، ج ۴، ص ۴۶۹؛ التهذیب، ج ۵، ص ۱۸۷.

۷. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۱۷۴؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۹۳؛ المجموع، ج ۸، ص ۱۲۳.

۸. السرائر، ج ۱، ص ۵۸۸؛ سداد العباد، ص ۳۴۱؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۱.

۹. تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۹۴؛ جامع المقاصد، ج ۲، ص ۲۵.

۱۰. المعنی، ج ۳، ص ۴۳۷-۴۳۸؛ حاشیه الدسوقی، ج ۲، ص ۴۴.

۱۱. المقنعه، ص ۴۱۶؛ السرائر، ج ۱، ص ۱۹۹؛ جامع المقاصد، ج ۲، ص ۲۵.

۱۲. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۶۸؛ ارشاد الاذهان، ج ۱، ص ۳۳۱؛ کشف اللثام، ج ۶، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۱۳. کشف اللثام، ج ۶، ص ۱۰۷-۱۰۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۹۸.

۱۴. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۴۷؛ منتهی المطلب، ج ۱۱، ص ۱۱۲.

۱۵. النهایه، طوسی، ص ۲۵۲؛ کشف اللثام، ج ۶، ص ۱۰۷.

۱۶. السرائر، ج ۱، ص ۵۸۵.

۱۷. الاقتصاد، ص ۳۰۶؛ ارشاد الاذهان، ج ۱، ص ۳۲۹.

۱۸. السرائر، ج ۱، ص ۵۸۸.

شماری از آداب افاضه از مشعر الحرام به منا عبارتند از: ا. هروله* (راه رفتن شتابان در وادی محسر).^{۱۰} ب. خواندن دعاهای ویژه.^{۱۱} ج. تلبیه در طول مسیر.^{۱۲} د. برداشتن سنگریزه از مشعر برای رمی.^{۱۳} ه. آمرزش خواستن.^{۱۴}

▼ ۴. افاضه از منا به مکه: بر پایه فقه اسلامی، کوچ از منا به مکه که بیشتر با عنوان «نَفَر»^{*} از آن یاد می‌شود، در روزهای دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجه صورت می‌پذیرد که به ترتیب «روز نفر اول» و «روز نفر دوم» نام دارند.^{۱۵} مهم‌ترین پشتوانه تخییر در نفر از منا آیه ۲۰۳ بقره/۲ است که بر پایه آن، با انتخاب هر یک از دو گزینه تعجیل (نَفَر روز دوازدهم) و تأخیر (نَفَر روز سیزدهم) مکلف گناهی انجام نمی‌دهد^{۱۶}: ﴿...فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى...﴾. البته به تصریح بسیاری از فقیهان امامی^{۱۷} و اهل سنت^{۱۸}، تأخیر فضیلتی بیشتر

معدوران مانند زنان و بیماران جایز است؛^۱ هر چند شماری از فقیهان امامی بر پایه احتیاط، آن را پیش از نیمه شب روا ندانسته‌اند.^۲ اندکی از امامیان افزون بر آن که افاضه از مشعر پیش از طلوع آفتاب را جایز نشمرده‌اند، آن را سبب وجوب کفاره نیز قلمداد کرده‌اند.^۳ گروهی از باب احتیاط این نظر را برگزیده‌اند.^۴

فقیهان همه مذاهب اهل سنت، افاضه را پیش از طلوع آفتاب روز عید سنت دانسته‌اند^۵، چنان‌که به تصریح شماری از آنان، تأخیر افاضه تا هنگام طلوع آفتاب کراهت دارد.^۶ همچنین شافعیان^۷ و حنبلیان^۸ افاضه را پس از نیمه شب جایز شمرده و گفته‌اند که افاضه پیش از نیمه شب در صورت بازنگشتن به مشعر در شب، کفاره دارد. حنفیان نیز افاضه شبانه را جز در مواردی چون بیماری جایز ندانسته و آن را بدون عذر، موجب کفاره قلمداد کرده‌اند.^۹

۱۰. المقنعه، ص ۴۱۷؛ المجموع، ج ۸، ص ۱۲۵؛ المغنی، ج ۳، ص ۴۴۴-۴۴۵.
 ۱۱. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۶۸؛ الدرر، ج ۱، ص ۴۲۴.
 ۱۲. المغنی، ج ۳، ص ۴۴۴-۴۴۵.
 ۱۳. المهذب، ج ۱، ص ۲۵۴؛ المغنی، ج ۳، ص ۴۴۵.
 ۱۴. تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۲۱۱؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۲.
 ۱۵. غنیة النزوع، ص ۱۸۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۸.
 ۱۶. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۳۸؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۴۹.
 ۱۷. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۸۰؛ الکافی فی الفقه، ص ۹۸؛ الدرر، ص ۴۵۸.
 ۱۸. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۰۶؛ نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۳۷.

۱. نک: مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۴۷-۲۴۸.
 ۲. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۷۹؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۴۲.
 ۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۴۶؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۴۷.
 ۴. الحدائق، ج ۱۶، ص ۴۵۹.
 ۵. المغنی، ج ۳، ص ۴۴۳؛ بداية المجتهد، ج ۲، ص ۲۸۰؛ المجموع، ج ۸، ص ۱۴۲؛ نک: حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۴۵.
 ۶. نهاية المحتاج، ج ۳، ص ۳۰۳.
 ۷. الحواوی الکبیر، ج ۴، ص ۱۷۷؛ المجموع، ج ۸، ص ۱۲۵.
 ۸. المغنی، ج ۳، ص ۴۴۲؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۵۷۷.
 ۹. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۶۳.

فسوق و جدال دانسته‌اند.^۸ با این همه، فقیهان اهل سنت جواز نفر را در روز دوازدهم، مشروط به پرهیز از این امور شمرده‌اند و تنها برخی از آنان افاضه امیر الحاج را در نفر نخست مجاز ندانسته‌اند.^۹

از دیدگاه فقیهان امامی^{۱۰} و اهل سنت^{۱۱}، افاضه در روز دوازدهم باید پس از زوال صورت گیرد. شماری از اهل سنت بر این باورند که نفر در روز سیزدهم نیز باید پس از زوال باشد.^{۱۲} فقیهان امامی به پشتوانه روایات^{۱۳}، افاضه را پیش از ظهر روز سیزدهم جایز و حتی برتر شمرده‌اند.^{۱۴} به باور مالکیان^{۱۵}، شافعیان^{۱۶} و حنبلیان^{۱۷} افاضه در روز دوازدهم باید پیش از غروب آفتاب انجام

دارد. نکته مهم آن است که در این آیه، گناهکار نبودن عجله کننده یا تأخیرکننده ویژه ﴿مَنِ اتَّقَى﴾ به شمار رفته است. فقیهان امامی^۱ بر پایه حدیث‌های تفسیری^۲ بر آنند که مقصود از ﴿مَنِ اتَّقَى﴾ کسی است که در حال احرام، از کشتن صید و آمیزش با همسر پرهیز کرده باشد. از این رو، بر پایه فقه امامی، افاضه از منا در روز دوازدهم تنها برای کسانی جایز است که در حال احرام از این دو کار خودداری کرده باشند.^۳ برخی نیز افاضه در روز دوازدهم را مشروط به پرهیز از همه محرماتی دانسته‌اند که موجب کفاره‌اند.^۴ همچنین شماری از امامیان^۵ نفر اول را برای کسی که نخستین بار حج واجب می‌گزارد (صَرَّوْه) و برخی^۶ برای امیر الحاج جایز ندانسته‌اند.

شماری از مفسران اهل سنت مقصود از تقوا در این آیه را پرهیز از کشتن صید در حال احرام^۷ و شماری دیگر پرهیز از آمیزش،

۸. نک: البحر المحیط، ج ۲، ص ۳۲۴؛ التحریر و التنویر، ج ۲، ص ۲۴۸.

۹. کشف القناع، ج ۲، ص ۵۹۴؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۰۶.

۱۰. المقنعه، ص ۴۲۲؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۰۷؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۳.

۱۱. الهدایه، ج ۱، ص ۱۴۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۳۸.

۱۲. نک: الهدایه، ج ۱، ص ۱۴۶؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۵۹۴.

۱۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۲۰؛ التهذیب، ج ۵، ص ۲۷۱-۲۷۳.

۱۴. التبیان، ج ۲، ص ۱۷۶؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۰۰؛ المختصر النافع، ص ۹۷.

۱۵. التبیان، ج ۲، ص ۱۷۶؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۰۰؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۷۳.

۱۶. حاشیه الصاوی، ج ۲، ص ۶۴.

۱۷. الام، ج ۲، ص ۲۳۶-۲۳۷؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۹۵-۳۹۶؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۴۹.

۱۸. المغنی، ج ۳، ص ۴۷۹؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۵۹۴.

۱. الجامع للشرائع، ص ۲۱۸؛ الدروس، ج ۱، ص ۴۵۸؛ کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۸.

۲. التهذیب، ج ۵، ص ۲۷۳.

۳. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۲۸۰؛ الوسیله، ص ۱۸۸؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۰۷.

۴. السرائر، ج ۱، ص ۶۰۵.

۵. الکافی فی الفقه، ص ۱۹۸؛ غنیه النزوع، ص ۱۸۶؛ اصباح الشیعه، ص ۱۶۰.

۶. فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۰۰.

۷. تفسیر سمرقندی، ج ۱، ص ۱۶۲؛ تفسیر ثعلبی، ج ۲، ص ۱۱۹.

پذیرد و اگر حج گزار هنگام غروب در منا باشد، بیتوته شب سیزدهم در آن جا بر او واجب می گردد، مگر آن که پیش از غروب، از منا بیرون رفته و برای انجام دادن کاری دیگر به منا برگشته باشد. در برابر، حنفیان افاضه را تا پیش از طلوع فجر، جایز ولی مکروه دانسته اند.^۱ (← ایام تشریق، نفر، وقوف)

◀ منابع

ارشاد الاذهان: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش الحسون، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ أسنى المطالب فی شرح روض الطالب: زکریا الانصاری (م. ۹۲۶ق.)، به کوشش محمد تامر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق؛ اصباح الشیعه: قطب الدین البیهقی (م. قرن ۶ق.)، ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه الامام صادق علیه السلام، ۱۴۱۶ق؛ الاقتصاد الهادی: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش حسن سعید، تهران، مکتبه جامع چهل سستون، ۱۴۰۰ق؛ الام: الشافعی (م. ۲۰۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق؛ البحر الرائق: ابونجم المصری (م. ۹۷۰ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ البحر المحیط: ابوحنیان الاندلسی (م. ۷۵۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۲ق؛ تفسیر سمرقندی (بحر العلوم): السمرقندی (م. ۳۷۵ق.)، به کوشش محمود مطرجی، بیروت، دار الفکر؛ بدایة المجتهد: ابن رشد القرطبی (م. ۵۹۵ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدین

الکاسانی (م. ۵۸۷ق.)، پاکستان، المکتبه الحبییه، ۱۴۰۹ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک)، الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تحریر الاحکام الشرعیه: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق؛ تحریر الوسيله: امام خمینی علیه السلام (م. ۱۳۶۸ش.)، نجف، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۰ق؛ تذکره الفقهاء: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق؛ ترتیب اصلاح المنطق: ابن السکیت (م. ۲۴۴ق.)، به کوشش بکایی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ق؛ التحریر و التنویر: ابن عاشور (م. ۱۳۹۳ق.)، مؤسسه التاریخ؛ تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم): ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق؛ تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان): الثعلبی (م. ۴۲۷ق.)، به کوشش ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ الجامع للشرائع: یحیی بن سعید الحلی (م. ۶۹۰ق.)، به کوشش گروهی از فضلا، قم، سید الشهداء، ۱۴۰۵ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق؛ جامع المقاصد: الکرکی (م. ۹۴۰ق.)، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۱ق؛ جمل العلم و العمل: السید المرتضی (م. ۴۳۶ق.)، به کوشش احمد حسینی، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۷ق؛ جواهر الکلام: النجفی (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ حاشیه

۱. الهدایه، ج ۱، ص ۱۴۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۵۹.

١٤١٤ق؛ **صحيح البخارى**: البخارى (م.٢٥٦ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق؛ **صحيح مسلم**: مسلم (م.٢٦١ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **العين**: خليل (م.١٧٥ق.)، به كوشش المخزومى و ديگران، دار الهجره، ١٤٠٩ق؛ **غنية النزوع**: الحلبي (م.٥٨٥ق.)، به كوشش بهادري، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٤١٧ق؛ **فتح العزيز**: عبدالكريم بن محمد الرافعي (م.٢٢٣ق.)، دار الفكر؛ **فقه السنه**: سيد سابق، بيروت، دار الكتاب العربى؛ **فقه القرآن**: الراوندى (م.٥٧٣ق.)، به كوشش الحسينى، قم، مكتبة النجفى، ١٤٠٥ق؛ **الفقه على المذاهب الخمسه**: محمد جواد مغنیه، قم، دار الكتاب الاسلامى، ١٤٢٢ق؛ **الكافى فى الفقه**: ابوالصلاح الحلبي (م.٤٤٧ق.)، به كوشش استنادى، اصفهان، مكتبة امير المؤمنين عليه السلام، ١٤٠٣ق؛ **الكافى**: الكلينى (م.٣٢٩ق.)، به كوشش غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش؛ **كشاف القناع**: منصور البهوتى (م.١٠٥١ق.)، به كوشش محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ **الكشاف**: الزمخشري (م.٥٢٨ق.)، قم، بلاغت، ١٤١٥ق؛ **كشف الرموز**: الفاضل الآبى (م.٦٩٠ق.)، به كوشش اشتهاردى و يزدى، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٨ق؛ **كشف اللثام**: الفاضل الهندى (م.١١٣٧ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٦ق؛ **كفاية الاحكام** (كفاية الفقه): محمد باقر السيزوارى (م.١٠٩٠ق.)، به كوشش الواعظى، قم، النشر الاسلامى، ١٤٢٣ق؛ **كنز العرفان فى فقه القرآن**: الفاضل المقمقداد (م.٨٢٦ق.)، به كوشش بهبودى، تهران، مرتضوى، ١٣٧٣ش؛ **لسان العرب**: ابن منظور (م.٧١١ق.)، قم، ادب الجوزة، ١٤٠٥ق؛ **المبسوط فى فقه الاماميه**: الطوسى (م.٤٦٠ق.)، به كوشش بهبودى، تهران، المكتبة المرتضويه؛ **المبسوط**: السرخسى (م.٤٨٣ق.)، بيروت، دار

الدسوقي: الدسوقى (م.١٢٣٠ق.)، احياه الكتب العربيه؛ **حاشية الصاوى على الشرح الصغير**: احمد بن محمد الخلوتمى (م.٢٤١ق.)، دار المعارف؛ **الحاوى الكبير**: الماوردى (م.٤٥٠ق.)، به كوشش على محمد، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٤ق؛ **الحدائق الناضره**: يوسف البحرانى (م.١١٨٦ق.)، به كوشش آخوندى، قم، نشر اسلامى، ١٣٦٣ش؛ **الخلافا**: الطوسى (م.٤٦٠ق.)، به كوشش خراسانى و ديگران، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٧ق؛ **الدر المنثور**: السيوطى (م.٩١١ق.)، بيروت، دار المعرفه، ١٣٦٥ق؛ **الدر المختار**: الحصكفى (م.١٠٨٨ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ **الدروس الشرعيه**: الشهيد الاول (م.٧٨٦ق.)، قم، النشر الاسلامى، ١٤١٢ق؛ **الروض المريع شرح زاد المستنقع**: منصور البهوتى (م.١٠٥١ق.)، به كوشش سعيد اللحام، بيروت، دار الفكر؛ **روضه الطالبين**: النووى (م.٦٧٦ق.)، به كوشش عادل احمد و على محمد، بيروت، دار الكتب العلميه؛ **سداد العباد**: حسين بن محمد آل عصفور (م.٢١٦ق.)، به كوشش محسن آل عصفور، قم، محلاتى، ١٤٢١ق؛ **السرائر**: ابن ادريس (م.٥٩٨ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١١ق؛ **سنن الترمذى**: الترمذى (م.٢٧٩ق.)، به كوشش عبدالوهاب، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٢ق؛ **السيرة النبويه**: ابن هشام (م.٢١٨/٢١٣ق.)، به كوشش محمد محيى الدين، مصر، مكتبة محمد على صبيح، ١٣٨٣ق؛ **شرائع الاسلام**: المحقق الحلبي؛ (م.٦٧٦ق.)، به كوشش شيرازى، تهران، استقلال، ١٤٠٩ق؛ **الشرح الكبير**: ابوالبركات (م.٢٠١ق.)، دار احياه الكتب العربيه؛ **الصحاح**: الجوهرى (م.٣٩٣ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٧ق؛ **صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان**: على بن بلبان الفارسى (م.٧٣٩ق.)، به كوشش الارنؤوط، الرساله،

المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مجمع البيان: الطبرسی (م.۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ المجموع شرح المذهب: النووی (م.۶۷۶ق.)، دار الفكر؛ المختصر النافع: المحقق الحلّی (م.۷۶ق.)، تهران، البعثه، ۱۴۱۰ق؛ مختلف الشيعه: العلامة الحلّی (م.۷۲۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق؛ مدارک الاحکام: سید محمد بن علی الموسوی العاملی (م.۱۰۰۹ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۰ق؛ مستند الشيعه: احمد التراقي (م.۲۴۵ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۵ق؛ المصباح المنیر: الفيومی (م.۷۷۰ق.)، قم، دار الهجره، ۱۴۰۵ق؛ معجم مقاييس اللغه: ابن فارس (م.۳۹۵ق.)، به كوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م.۶۲۰ق.)، بیروت، دار الكتب العلمیه؛ مغنی المحتاج: محمد الشربینی (م.۹۷۷ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ مفردات: الراغب (م.۴۲۵ق.)، نشر الكتاب، ۱۴۰۴ق؛ المقتنع: المفید (م.۴۱۳ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ مناسک حج: لطف الله الصافی، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۴ق؛ من لا يحضره الفقيه: الصدوق (م.۳۸۱ق.)، به كوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ منتهی المطالب: العلامة الحلّی (م.۷۲۶ق.)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ق؛ مواهب الجلیل: الحطاب الرعینی (م.۹۵۴ق.)، به كوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ مواهب الرحمن: سید عبدالاعلی السبزواری، بیروت، مؤسسه اهل بیت (ع)، ۱۴۰۹ق؛ المهذب: الفاضی ابن البراج (م.۴۸۱ق.)، به كوشش جمعی از محققان، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۶ق؛ المیزان: الطباطبائی (م.۴۰۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ النخبه: الفیض الکاظمی (م.۱۰۹۱ق.)، به كوشش انصاری، تهران، سازمان تبلیغات، ۱۴۱۸ق؛ النهایه:

مبارک ابن اثیر (م.۶۰۶ق.)، به كوشش محمود الزاوی و الطنّاحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش؛ النهایه: الطوسی (م.۴۶۰ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۰ق؛ نهایة المحتاج: محمد بن ابی العباس الشافعی (م.۱۰۰۴ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق؛ نیل الاوطار: الشوکانی (م.۲۵۵ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳م؛ الوسيلة الی نیل الفضیله: ابن حمزه (م.۵۶۰ق.)، به كوشش الحسون، قم، مكتبة النجفی، ۱۴۰۸ق؛ الهدایة شرح بداية المبتدی: علی بن ابی بكر المرغینانی (م.۵۹۳ق.)، به كوشش طلال یوسف، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.

محمد سحرخوان



افساد حج ← فساد حج

افشاریه: سلسله پادشاهی ایرانی؛

تلاشگر برای بهبود وضع حج گزاران

بنیان گذار سلسله پادشاهی افشاریه، نادر قلی از طایفه قرقلوی افشار است. این طایفه از قبایل قزلباش بودند که در روی کار آوردن صفویه نقش داشتند. گروهی از ایل افشار را شاه اسماعیل صفوی (حک: ۹۰۷-۹۳۰ق.) به منطقه ایبورد و نساء در خراسان شمالی کوچاند.^۱ نادر در ایبورد به خدمت حاکم آن شهر بابا علی

۱. جهانگشای نادری، ص ۲۶-۲۷؛ ایران در زمان نادر شاه، ص ۷.